

ظرفیت‌سنجی قلمرو اسناد حقوق بشر در قبال جرایم تروریستی

پیمان نامامیان، علیرضا شکرپیگی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده:

جرایم تروریستی، پدیده‌ای است محصول علل مختلف که در عین حال، علت شکل‌گیری وضعیت‌های گوناگون محسوب می‌شود. از دید مناسبات تروریسم و حقوق بشر، این پدیده، معلول نقض حقوق بشر و نبود شرایط صلح ماندگار است. از همین‌رو، هنجارهای قابل احترام در جهان (همانند رعایت موازین حقوق بشر، حاکمیت قانون، دموکراسی و صلح و امنیت بین‌المللی) را مورد هدف قرار می‌دهد. بدین‌سان جامعه بین‌المللی برای مقابله و سرکوب تروریسم طی اتخاذ سیاست‌های کنشی و واکنشی مبادرت به تصویب اسناد متعددی نمود؛ اما نکته قابل‌تأمل این‌که متأسفانه اسناد یادشده به دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی لازم و موثر از حیث عدم پذیرش و اجماع جهانی، نتوانستند توقع جامعه بین‌المللی را در مقابله و سرکوب تروریسم مرتفع سازند. بنابراین، نقض حقوق اساسی و بنیادین ملت‌ها به واسطه ترور از جمله نقض فاحش حق حیات، ایجاب می‌کند تا سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، ضمن اتخاذ تدابیر جدی و پیشگیرانه و مقابله مؤثر با جرایم تروریستی در همه ابعاد آن نهایتاً نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تقویت صلح و امنیت بین‌المللی در جهان ایفا کنند.

واژگان اصلی: جرایم تروریستی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، دموکراسی، اسناد بین‌المللی ضد جرایم تروریستی، صلح و امنیت بین‌المللی.

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

namamian@araku.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه جرایم تروریستی اضمّن تبدیل به یک پدیده جهانی تبدیل، می‌توان آن را به‌عنوان جنایت علیه بشریت طبقه‌بندی کرد که موجبات صلح، امنیت و حتی تمدن بشری را تهدید و با مخاطراتی می‌سازد (Nasution, 2017: 14).

جرایم تروریستی موجب افزایش مقررات قانونی مرتبط با امنیت در سراسر جهان شده است. طیف گسترده‌ای از راهبردهای نوین یا به منظور تقویت توانایی دولت‌ها در واکنش به آن‌ها و رسیدگی به شکاف‌های درک شده در مقررات داخلی و راهبردهای امنیتی است. البته جرایم تروریستی رابطه‌ای بسیار عمیق و در عین حال منفصل با ساختار موجود در حقوق بین‌المللی کیفری دارند. عمق رابطه از این واقعیت ناشی می‌شود که نمی‌توان ارتباط حقوق بین‌المللی کیفری با جرایم تروریستی را انکار کرد؛ به‌دیگر تعبیر، همیشه توافق می‌شود جرایم تروریستی به‌عنوان جرایمی اطلاق شوند که باید بر پایه اصول حقوق کیفری مورد تعقیب کیفری قرار گیرند (مؤذن‌زادگان و رضوی‌فرد، ۱۳۹۸: ۵). این در حالی است که مقرره‌های کیفری داخلی تا حد قابل ملاحظه‌ای در پاسخ به مفهوم جرایم تروریستی بدون اثر است. با وجود این، مادامی که مقرره‌های داخلی در رسیدگی به چنین جرایمی ناکام می‌مانند، تصور بر این است که سازوکار تهاجمی در چارچوب و مسأله بین‌المللی امکان‌پذیر است.

جرایم تروریستی طی دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته قرار گرفته است. این در حالی است که مجمع عمومی سازمان

^۱ به طور کلی، جرایم تروریستی به عنوان استفاده غیرقانونی از خشونت برای پیشبرد اهداف سیاسی از طریق ایجاد ترس تعریف می‌شود. تیراندازی رایج‌ترین شکل خشونت است که تروریست‌ها از آن استفاده می‌کنند و این به دلیل تخریب گسترده‌ای است که باعث می‌شود. مطابق با انگیزه ایجاد ترس در مردم، بیشترین هدف حملات تروریستی شهروندان و دارایی‌های خصوصی هستند. به‌عنوان نمونه، وضعیت خشونت در جنگ‌های آزادی‌بخش ملی و تعیین سرنوشت مشخص نیست. این فقدان توافق جهانی توانایی جامعه بین‌المللی را برای هماهنگی تلاش‌ها برای مبارزه با جرایم تروریستی با مشکل مواجه کرده است؛

- <https://www.statista.com/topics/2267/terrorism/#dossierKeyfigures>

^۲ <https://www.icct.nl/event/2020-advanced-summer-programme-terrorism-counter-terrorism-and-rule-law>

^۳ مسأله جرایم تروریستی در سازمان ملل متحد به‌عنوان بخشی از برنامه اقدام برای پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های خشونت‌آمیز طی ۱۵ ژانویه ۲۰۱۶ توسط دبیرکل و در کنفرانس ژنو مطرح شد. پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های

ملل متحد ضمن ابراز نگرانی راجع به «روابط در حال رشد و خطرناک میان گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و باندهای شبه‌نظامیان آن‌ها» طی سال ۱۹۹۴، شورای امنیت ملل متحد وفق قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ با اشاره به «رابطه نزدیک تروریسم بین‌المللی و جرایم سازمان‌یافته فراملی، نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر، پول‌شویی، قاچاق اسلحه، نقل و انتقال مواد هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و سایر مواد بالقوه کشنده»، بر لزوم تقویت هماهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی به منظور تقویت پاسخ جهانی به این چالش جدی و تهدید بین‌المللی تأکید کرد (ر.ک: ممتاز، ۱۴۰۰: ۳۹-۳۶).

تقویت همبستگی و انسجام در نظام بین‌المللی در قبال جرایم تروریستی و نیز تعهد مقابله با آن در فرایند رعایت قواعد حقوق بشر با تأکید بر تعقیب بازیگران غیردولتی در این عرصه از مهمترین چشم‌اندازهای همکاری‌های میان دولت‌ها به‌شمار می‌آیند. اتخاذ سازوکارهای اصولی و به‌کارگیری

خشونت‌آمیز توسط سازمان ملل متحد و سوئیس را طی ۷ و ۸ آوریل ۲۰۱۶ سازماندهی کردند. اگرچه این مسأله همچنان در صحنه‌های بین‌المللی قابل ملاحظه است، اما معنای تروریسم به خودی خود دیگر وجود ندارد؛

- United Nations, *Fourteenth United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice*, Kyoto (Japan), March 7-12, 2021.

به‌علاوه، از هفتم تا بیستم مارس ۲۰۲۱، سازمان ملل متحد با برگزاری «چهاردهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری» در کیوتو، برای تهیه «پیشنویس بیانیه کیوتو برای پیشگیری از وقوع جرم، عدالت کیفری و حاکمیت قانون: به‌منظور دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» مبادرت به ارائه سازوکارهای پیشگیرانه و تهاجمی در قبال جرایم تروریستی وفق بندهای ۷۳ تا ۷۵ نمود؛

- United Nations Office on Drugs and Crime, *Draft Kyoto Declaration to Advance Crime Prevention, Criminal Justice and the Rule of Law: Towards Achieving the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Vienna,

https://www.unodc.org/documents/commissions/Congress/21-02815_Kyoto_Declaration_ebook_rev_cover.pdf

1 UN General Assembly Resolution 49/60(1994), (Measures to eliminate international terrorism), Annex (Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism), 9 December.

^۲ به‌نظرمی‌رسد جرایم تروریستی به‌طور کلی در حالت رکود زمانی و مکانی قرار نگرفته است و کماکان در حال توسعه و گسترش است؛ مؤید این امر وقوع روزافزون اقدام‌های تروریستی در اقصی نقاط جهان است که موجبات نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم آورده و همین وضعیت منجر به صدور قطعنامه‌هایی نظیر (۲۰۲۰) ۲۵۵۷، (۲۰۱۹) ۲۵۰۱، (۲۰۱۹) ۲۴۹۰، (۲۰۱۹) ۲۴۸۲، (۲۰۱۹) ۲۴۶۲، (۲۰۱۷) ۲۳۹۶، (۲۰۱۷) ۲۳۹۵، (۲۰۱۷) ۲۳۷۹، (۲۰۱۷) ۲۳۷۰، (۲۰۱۷) ۲۳۶۸، (۲۰۱۷) ۲۳۴۱، (۲۰۱۶) ۲۳۲۲ و (۲۰۱۶) ۲۳۰۹ توسط شورای امنیت ملل متحد در خصوص تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی در ابعاد و اشکال و ظواهر است.

حداکثر تشریک مساعی در میان دولت‌ها با هم و سازمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه با جرایم تروریستی امری انکارناپذیر است. البته تداوم و توسعه چنین سازوکاری در قالب تدوین، تصویب و اجرای صحیح مقررات امکان‌پذیر خواهد بود.

افزون بر این از اوایل دهه‌ی هفتاد، جامعه بین‌المللی با ارایه دلایل مصلحتی، عدم رضایت یا تأیید خود از اقدامات تروریستی را بیان کرده است. این دلایل عبارتند از این‌که جرایم تروریستی باعث نقض فاحش و جدی حقوق بشر می‌شود؛ جرایم تروریستی ضمن تضعیف حکومت دموکراتیک و روندهای سیاسی صلح‌جویانه، صلح و امنیت بین‌المللی را با تهدید مواجه می‌کند (Harris and Milton, 2016: 65).

به هر روی، جرایم تروریستی دشمن مشترک بشریت و هدف اقدام مشترک جامعه بین‌المللی است. تروریست‌ها با اعمال خشونت، خرابکاری و ارباب، با تحقیر حقوق بشر، کشتار مردم بی‌گناه، به خطر انداختن امنیت عمومی و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازند. نفوذ و گسترش افراط‌گرایی کانونی برای خشونت و ترور است که تهدیدی مستقیم علیه حقوق بشر است.^۱

۱. نقض فاحش حقوق بشر

حقوق بین‌الملل کیفری اغلب رفتاری را که از ارزش‌های حفاظت شده توسط قواعد حقوق بشر تخطی می‌کند، بدون اعلام مستقیم آن ارزش‌ها، منع می‌کند (Cassese, 2003: 23). قطع‌نامه‌های متعدد مجمع عمومی از دهه ۱۹۷۰ و قطع‌نامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

http://geneva.china-mission.gov.cn/eng/ztjs/aghj12wnew/Whitepaper/202110/t20211014_9587980.htm
 2UNGA resols 3034 (XXVII) (1972), 1; 32/147 (1977), 1; 34/145 (1979), 3; 38/130 (1983), 1; 40/61 (1985), pmb1, 2-3; 42/159 (1987), pmb1, 2-3; 44/29 (1989), pmb1, 2; 46/51 (1991), pmb1, 2; 48/122 (1993), pmb1, 1; 49/60 (1994), pmb1; 49/185 (1994), pmb1, 1; 50/186 (1995), pmb1, 2; 51/210 (1996), annexed Declaration to Supplement the 1994 Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, pmb1; 52/133 (1997), pmb1, 2-3; 54/164 (2000), pmb1, 2-3; see also 1993 Vienna Declaration and Programme of Action, UN DocA/CONF.157/24 (Part I), ch III, s I, 17.

متحد از دهه ۱۹۹۰ به صراحت اعلام کرده‌اند که جرایم تروریستی آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر را تهدید و نقض می‌کنند (ر.ک: ایازی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱-۲۷). این در حالی است که در قطع‌نامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد ضرورت رعایت موازین حقوق بشری در مقابله با جرایم تروریستی مورد تأکید قرار گرفته است (ر.ک: امیرارجمند و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۵۳). تعیین چارچوب ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا درباره مبارزه با جرایم تروریستی با ارایه تعریفی جامع از جنایات تروریستی به‌طور مشابه جرایم تروریستی را در زمره خطرناکترین تهدیدها برای حقوق بشر شمرد. ^۱ همچنین دیگر اسناد منطقه‌ای ضد جرایم تروریستی از این ایده حمایت کرده و با صراحت به نقض فاحش حقوق بشر به وسیله ارتکاب جرایم تروریستی اشاره می‌کنند، ^۲ در حالی که پیش‌گفتار «پیش‌نویس کنوانسیون جامع ملل متحد درباره‌ی مقابله با تروریسم بین‌المللی» که از سال ۲۰۰۰ درباره آن گفت‌وگو شده به‌طور مشابه اظهار داشته که جرایم تروریستی حقوق بشر را به خطر

1 UNComHR resols 1995/43; 1996/47; 1997/42; 1998/47; 1999/27; 1999/30; 2000/30; 2001/37; 2002/35; 2003/37; UNSubComHR resols 1994/18; 1996/20; 1997/39; 1998/29; 1999/26; 2001/18; 2002/24.

2 European Commission, Proposal for a Council Framework Decision on Combating Terrorism, Brussels, 19 Sep 2001, COM (2001) 521 Final, 2001/0217 (CNS), Explanatory Memorandum, 2-3, 7.

3 1998 Arab Convention on the Suppression of Terrorism, pmbl; 1999 OIC Convention on Combating International Terrorism, pmbl; 1971 OAS Convention to Prevent and Punish Acts of Terrorism Taking the Form of Crimes against Persons and Related Extortion that are of International Significance, pmbl; 1999 OAU Convention on the Prevention and Combating of Terrorism, pmbl; OAS General Assembly, AG/RES 1840 (XXXII-O/02), pmbl; OAS Declaration of Lima to Prevent, Combat, and Eliminate Terrorism, adopted at the Inter-American Specialized Conference on Terrorism, 26 Apr 1996, pmbl and 1; Declaration of Quito, IX Meeting of the Rio Group, adopted Sep 1995; OAU Central Organ Ministerial Communiqué on Terrorism, adopted 11 Nov 2001, Central Organ/MEC/MIN/Ex-Ord (V) Comm, 3; OAS General Assembly, AG/RES 1840 (XXXII-O/02), pmbl; Council of Europe (Cttee of Ministers), Guidelines of the Committee of Ministers on human rights and the fight against terrorism, 11 Jul 2002, pmbl [a]; European Parliament res A5-0050/2000, 16 Mar 2000, 41-42; OIC (Extraordinary Session of Foreign Ministers), Declaration On International Terrorism, Kuala Lumpur, 1-3 Apr 2002, 7; see also International Commission of Jurists, resolution adopted at triennial mtg, Geneva, 18 Sep 2001; NAM, XIV Ministerial Conf, Final Document, Durban, 17-19 Aug 2004, 100; NAM, XIII Conference of Heads of State or Government, Final Document, Kuala Lumpur, 25 Feb 2003, 107.

می‌اندازد. گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد درباره‌ی جرایم تروریستی اظهار داشته که به‌طور محتمل هیچ حق واحدی از حقوق بشر از اثرگذاری جرایم تروریستی مستثنی نیست.^۲ بسیاری از جنایات‌های خطیر داخلی به همان میزان جان انسان‌ها را به‌خطر می‌اندازند و حقوق بشر را تضعیف می‌کنند. با این حال، این توجیه یک دلیل متقاعدکننده و استثنایی را برای مقابله‌ی متفاوت با اقدام تروریستی ارائه نمی‌کند. هرچند امکان دارد برخی از جرایم تروریستی به‌علت خطیر بودن یا اثرگذاری به طرز خاصی حقوق بشر را به‌طور فاحش نقض کنند، اما همه‌ی جرایم تروریستی از چنین شدتی برخوردار نیستند (Carrillo, 2020: 637-638).

هیچ قاعده‌ی آشکاری در حقوق بین‌الملل بشر برای «رهایی از ترس» وجود ندارد، البته امکان دارد چنین مصونیتی از سایر قواعد به‌طور ضمنی برداشت شود. بر این اساس، پیش‌گفتار اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح به «رهایی از ترس به‌عنوان بالاترین آمال بشر» کرده، در حالی که پیش‌گفتار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پیش‌گفتار میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به «ایده‌ی انسان آزاد رهایی‌یافته از ترس» اشاره دارند. در طرح توسعه‌ی سازمان ملل متحد ایده‌ی رهایی از ترس، یک ارزش بین‌المللی، مستحق صیانت به مثابه رویکردی از توسعه‌ی بشر مطرح شده است. با این حال باید یادآوری کنیم که ایده‌ی سیاسی «رهایی از ترس» در ابتدا طی سخنرانی توسط «فرانکلین دی‌روزولت» در سال ۱۹۴۱، بیان شد که به ضرورت کاهش تسلیحات جهانی به‌منظور ممانعت از تعرض‌ها اشاره داشت^۳ (Brierly, 1944: 75).

از نظر حقوق بشر، مقابله با جرایم تروریستی، ریشه در «تکلیف دولت در صیانت از جان، آزادی و امنیت کلیه‌ی اشخاص حاضر در سرزمین» دارد. بخش اعظمی از تفسیر قضایی و به‌کارگیری آن به‌طور انحصاری درباره‌ی محرومیت از آزادی تمرکز کرده، بدون آن‌که هرگونه معنای مستقل حق «امنیت» را آشکار کند؛ چرا که مقررات مربوطه تنها به شرح و تفصیل مضمون آزادی می‌پردازد (ر.ک: امیرارجمند و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۲).

1UNGA, Reports of the Ad Hoc Committee established by UNGA res 51/210 (17 Dec. 1996), 6th Session (2002), UN Doc Supp 37 (A/57/37), annex I.

2UNSubComHR (53rd Sess), Terrorism and Human Rights: Progress Report by Special Rapporteur K Koufa, 27 Jun 2001, UN Doc E/CN.4/Sub.2/2001/31, 28.

3UNDP, Human Development Report 1994 (OUP, New York, 1994), 23.

4US President FD Roosevelt, State of the Union Address, 77th US Congress, 6 Jan 1941, (1941) 87Congressional Record, pt I.

اما وجود یک تفسیر عادی، معنایی متفاوت از آزادی را نسبت به امنیت ارایه می‌کند (Ovey and White, 2002: 103). سوابق پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر موید این امر است که برخی از دولت‌ها تصور می‌کردند حق امنیت شخصی، حق حیات بدون ترس را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد؛ این در حالی بود که تفسیر غالب به جامعیت فیزیکی اشاره داشت. بنابراین اگر حق امنیت به معنای حق جامعیت فیزیکی باشد جای تامل دارد که جرایم تروریستی می‌تواند چنین حقی را تضعیف کند. از این رو، مفاد «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای سرکوب تروریسم بین‌المللی (۱۹۹۹)» شباهت بسیار نزدیکی با دیدگاه اخیر دارد؛ چرا که کنوانسیون یادشده تصریح کرده است: «تروریسم به منزله‌ی نقض فاحش حقوق بشر، به‌ویژه حق امنیت است.»^۳ با این وجود حق امنیت از نظر معنا محدودتر از مفهوم گسترده‌ی «امنیت بشر» است که از دهه‌ی ۱۹۹۰ رواج پیدا کرد (Newman, 2000: 222).

لازم به یادآوری است تعداد اندکی از تخلف‌های حقوق بشر به‌عنوان جنایت بین‌المللی شناخته می‌شوند و به‌طور معمول جبران تخلف از حقوق بشر به‌جای مجازات کیفری متخلف، اجرای حق است (Ratner and Abrams, 2001: 13). هر چند قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری گاهی وقت‌ها تداخل و هم‌پوشانی دارند، اما دولت‌ها هنوز ماهیت بسیاری از تخلف‌ها، از قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را، شامل رفتار واقعا ظالمانه و شنیع کیفری قلمداد نمی‌کنند (Ibid, 12-13). قواعد حقوق بشر سزا دهنده نیست، بلکه تخلف از قواعد یادشده را جبران می‌کند. بر این اساس معاهده‌های موجود در حوزه‌ی قواعد یادشده محاکمه‌ی متخلف حقوق بشر را به‌عنوان راه‌کار بایسته ضروری نمی‌دانند (Ratner and Abrams, 2001: 152; Shelton, 2000:323).

با این اوصاف این مساله که «آیا جرایم تروریستی می‌تواند حقوق بشر را به‌عنوان موضوعی حقوقی نقض کند، در حالی که جرایم تروریستی به یک دولت اطلاق‌پذیر نیستند؟» از سوی برخی

1UNGAOR 3rd Session, 3rd Ctee Summary Records of Meetings, 21 Sep—8 Dec 1948, 175 (Costa Rica), 172, 193-194 (Haiti).

2Ibid, 190 (US, France), 157 (Netherlands), 189 (Haiti), 191 (China), 192 (Guatemala), 194 (Philippines).

3Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism, 1 Jul. 1999.

4Velasquez Rodriguez case, IACHR, Ser C, No 4, (1988) 9 Human Rights L J 212, 134.

صاحب‌نظران (Merón, 1989: 275-277) مبنای این بحث است که به موجب معاهده‌های حقوق بشر تنها دولت‌های عضو، نه عاملان یا افراد غیردولتی، از نظر حقوقی «احترام به حقوق بشر و ضمانت اجرای آن را» می‌پذیرند. این موضع در حمایت از پذیرش اعلامیه‌ی ۱۹۹۴ مجمع عمومی درباره‌ی جرایم تروریستی توسط اتحادیه‌ی اروپا، کشورهای «نوردیک» و کانادا اتخاذ شد. این موضع بدان علت است که تنها جرایم اطلاق‌پذیر به یک دولت می‌تواند موجبات نقض قواعد حقوق بشر را فراهم کند. بر همین اساس اتحادیه‌ی اروپا از آن پس موضع خود را در تعیین چارچوب ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا حفظ کرد.

مشخص است که بر پایه‌ی مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، جرایم تروریستی اطلاق‌پذیر به دولت‌ها، تعهدهای این دولت‌ها را در قبال حقوق بشر نقض خواهند کرد. در مقابل، افراد خصوصی، طرف معاهده‌های حقوق بشر نبوده و اثرگذاری افقی مستقیم در حقوق بین‌الملل ندارند و جایگزینی برای حقوق کیفری داخلی نیستند. به عبارت دیگر، بنابر اصل مورد پذیرش در حقوق بین‌الملل، دولت مسؤولیت حمایت از افراد و گروه‌ها در برابر نقض حقوق بشر که توسط افراد خصوصی ارتکاب می‌یابد را دارد. بنابراین دولت در قبال نقض حقوق بشر توسط افراد خصوصی مسؤول است (راعی، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۱). با این وجود دولت‌ها باید در رابطه با ضمانت اجرای حقوق بشر در برابر تخلف‌های شخصی تا جایی از حقوق بشر حمایت کنند که به طور کامل حقوق اساسی افراد رعایت شود. این امر می‌تواند دولت‌ها را ملزم کند تا ضمن اتخاذ اقدام‌های حفاظتی اثرگذار با قانون‌گذاری و اقدام‌های تقنینی و اجرایی، تلاش شایسته‌ای را برای پیش‌گیری، مجازات، تجسس یا ارزیابی خسارت یا دخالت ناشی از اعمال شخصی به عمل آورند^۱ (Buergenthal, 1981: 77-78; Sperduti, 1987: 373-375).

1H Steiner, 'International Protection of Human Rights' in M Evans (ed), International Law (OUP, Oxford 2003) 757, 776.

2Nordic

3UNGAOR 49th session, 84th mtg, Measures to eliminate international terrorism: Report of the 6th Cttee (A/49/743), 9 Dec 1994, 19-20 (Germany for the EU and Austria; Sweden for the Nordic States; Canada); see also UN Sec-Gen Report, Human Rights and Terrorism, UN Doc A/50/685, 26 Oct 1995, 5 (Sweden).

4UNHRC, General Comment No 31: Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, 26 May 2004, UN Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add.13, 8.

5UNHRC, General Comment No 31, 8; Case of X and Y v The Netherlands (1985) Ser A, vol 91, 23.

6Velasquez-Rodriguez, 172-173; UNHRC, General Comment No 31, 8.

(Shelton, 1990: 125; Clapham, 1996: 119; Paust, 1987: 138). وظایف اخیر با

وظیفه‌ی تضمین جبران اثرگذار تخلف‌ها از حقوق بشر در ارتباط هستند.^۱

با این حال عاملان غیردولتی از جمله تروریست‌ها به‌طور غیرمستقیم در چارچوب قواعد حقوق بشر، به‌واسطه‌ی وظیفه‌ی دولت‌ها مبتنی بر صیانت و تضمین حقوق تحت نظارت قانونی قرار دارند. با این وجود در جایی که یک عمل شخصی به دولتی اطلاق‌پذیر نباشد نمی‌توان آن کشور را در قبال خود عمل مسئول دانست، بلکه تنها در قبال قصور در اعمال تلاش شایسته برای پیش‌گیری از تخلف از حقوق بشر یا واکنش‌دهی مناسب به آن‌ها مسئول شناخته می‌شود. پس در صورت دخالت نکردن دولت در یک عمل تروریستی می‌توان آن دولت را به‌علت قصور یا ترک فعل مسئول دانست، نه به‌علت ارتکاب عمل تروریستی شخصی. هر چند افراد خصوصی از نظر حقوقی به‌طور مستقیم مسئول تخلف‌های ارتكابی شناخته نمی‌شوند، اما به‌طور کامل به‌حال خود رها نمی‌شوند. پیش‌گفتار اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح کرده است: «هر انسانی باید تلاش کند احترام به این حقوق و آزادی‌ها را ترویج کند تا رسمیت جهانی و رعایت آن‌ها در سطح جهانی تضمین شود».

لازم به یادآوری است که در برخی از قطع‌نامه‌های صادره از سوی سازمان ملل متحد به نکات یادشده تأکید شده است. بند ۱ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن حمایت از دیدگاه یادشده، تصریح کرده «هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند»^۲ که این امر موید رعایت موازین و قواعد حقوق بشر از سوی انسان‌ها است (Clapham, 1996: 97-98). به‌طور مشابه پیش‌گفتار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پیش‌گفتار میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارند: «هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی بوده و مکلف است به این‌که در ترویج و رعایت حقوق بشر شناخته شده به‌موجب این میثاق اهتمام ورزد».^۳ بند ۱ ماده ۵ مشترک در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر می‌دارد: «هیچ‌یک از مقررات این میثاق نباید به‌نحوی تفسیر شوند که متضمن ایجاد حقی بر دولتی یا

^۱ICCPR, art 2 (3).

^۲Steiner, op cit, 776.

^۳Velasquez-Rodriguez, 172-173.

^۴UNGA res 48/22 (1993); UNComHR resols 1995/43; 1996/47; 1997/42; 1998/47; 1999/27; 2000/30; 2001/37; UNSubComHR resols 1997/39; 1998/29; 1999/26; 2001/18; 2002/24.

^۵ICCPR and ICESCR, pmbis; UDHR, pmbl.

گروهی یا فردی شود که به استناد آن به منظور تضييع هر يك از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق و یا محدودیت آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی کند و یا اقدامی به عمل آورد.»^۱

در خلال پذیرش اعلامیه‌ی سال ۱۹۹۴، الجزایر با این استدلال که این مقرر، تعهداتی حقوقی را بر افراد یا گروه‌ها برای رعایت حقوق بشر تحمیل می‌کند به کشورهای نورددیک و اتحادیه اروپا پاسخ داد: «هر چند مقرر، ی‌اشده به صورت یک تعهد قطعی بر افراد و گروه‌ها برای رعایت حقوق بشر چارچوب‌بنای نشده، اما چنین گمان می‌رود با مضمونی ضروری ایجاب کند که افراد از نقض یا محدودیت غیرموجه حقوق اجتناب کنند.»

به نظر گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل متحد، این مقررات، سوءاستفاده از حقوق بشر توسط افراد یا گروه‌ها را ممنوع می‌کنند. البته از دیدگاه برخی، انسان مشمول وظایفی در حوزه‌های دیگر حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری هستند (Clapham, 1996: 95-96; see also: Saul, 2001: 565).

با این حال به ندرت پیش آمده تا در جایی که دولتی دخالت نداشته باشد و افراد خصوصی را به علت ارتکاب جرایم تروریستی مبتنی بر نقض قواعد حقوق بشر به طور مستقیم مسؤول آن قلمداد کنند. هم چنین یک مشکل عملی با گروه‌های غیردولتی وجود دارد که این تعهدها را برای تضمین، صیانت و رعایت حقوق بشر می‌پذیرند (See: Zegveld, 2002:359-363). میزان ارزش شیوه‌ی عمل بین‌المللی نشان می‌دهد که شناسایی حقوقی جرایم تروریستی عاملان غیردولتی به عنوان تخلف از قواعد حقوق بشر در موقعیت‌هایی که یک دولت در انجام وظیفه‌ی مجدانه در قبال پیش‌گیری و صیانت قصور نکرده باشد، دشوار است.

بنابراین، آنچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آن اهتمام شده است، حمایت، حراست و نیز دفاع از حقوق حقه‌ی انسان‌ها و هم‌چنین مقابله با نقض‌کنندگان قواعد صریح حقوق بشری به عنوان دلیل مصلحتی در پیش‌گیری و سرکوب اعمال مجرمانه همانند جرایم تروریستی است.

¹See also: UDHR, art 30.

²UNGAOR 49th session, 84th mtg, Measures to eliminate international terrorism: Report of the 6th Cttee (A/49/743), 9 Dec 1994, 21.

³UNSubComHR (51st Sess), Terrorism and Human Rights: Preliminary Report by Special Rapporteur K Koufa, 7 Jun 1999, UN Doc E/CN.4/Sub.2/1999/27, 22-23.

با ملاحظه‌ی رهیافت‌های اسناد بین‌المللی در حوزه‌ی حقوق بشر می‌توان دریافت که به‌رغم تأکیدهای متیقن اسناد، درباره‌ی رعایت موازین حقوق بشر، متأسفانه به‌دلیل متضاد بودن آن موازین با سیاست‌های ضد بشری دولت‌های غربی، همواره می‌توان شاهد نقض فاحش حقوق بشر در صحنه‌ی مناسبت‌های بین‌المللی بود. با این حال وجود جرایم ضدبشری از سوی دولت‌های غربی مبین پایبند نبودن به حقوق بشر بوده و همین امر یکی از دلایل اثرگذار در گسترش اقدام‌های مجرمانه به‌ویژه جرایم تروریستی است (Slimani, 2023: 82-84).

۲. دموکراسی و حاکمیت قانون

در دهه‌ی ۱۹۹۰، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به‌کرات به جرایم تروریستی برای نقض دموکراسی، یا بی‌ثبات کردن حکومت‌هایی که به‌طور قانونی و مشروع تشکیل شده، توجه کرده و این در حالی است که برخی از قطع‌نامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی تصریح کرده‌اند، جرایم تروریستی چالش شدیدی را بر دموکراسی، جامعه‌ی مدنی، و حاکمیت قانون تحمیل می‌کند.^۳ بر همین اساس می‌توان دریافت که دولت‌ها در مقابله و سرکوب جرایم تروریستی مقید بر رعایت و احترام به حاکمیت قانون شده‌اند (Klerk, 2020: 42-43).

با این حال نکته‌ی مورد اتمام این‌که، به‌طور کلی جز در موارد اضطراری، برای مقابله با جرایم تروریستی رعایت همه‌ی موازین حقوق بشر ضرورت دارد؛ به‌عبارت دیگر در موقعیت‌های عادی، پیش‌شرط رعایت حقوق بشر در مقابله با جرایم تروریستی، شناسایی حاکمیت و ضرورت قانونی بودن اقدام‌های دولت در چنین موقعیتی است. بنابراین لازمه‌ی شناسایی و اعمال نتایج حاکمیت قانون در مبارزه با جرایم تروریستی در ابتدا رفع هرگونه مانع حقوقی بوده و وظیفه‌ی هر نظام

1 UNGA resols 48/122 (1993), 1; 49/60 (1994), 2; 49/185 (1994), 1; 50/186 (1995), 2; 52/133 (1997), 3; 54/164 (2000), 2-3; UNComHR resols 1995/43, 1; 1996/47, 1-2; 1997/42, 1-2; 1998/47, 3; 1999/27, 1; 2000/30, 1; 2001/37, 1; 2002/35, 1; 2003/37, 1; UNSubComHR resols 1994/18, 1; 1996/20, 1; 1997/39, 1; 2001/18, pmb1; 2002/24, pmb1; 1993 Vienna Declaration and Programme of Action, UN Doc A/CONF.157/24 (Part I), ch III, s I, 17.

2 UNGA resols 48/122 (1993), 1; 49/185 (1994), 1; 50/186 (1995), 2; 52/133 (1997), 3; 54/164 (2000), 2-3; UNComHR resols 1995/43, 1; 1996/47, 2; 1997/42, 2; 1998/47, 2; 1999/27, 1; 2000/30, 1; 2001/37, 1; 2002/35, 1; 2003/37, 1; UNSubComHR resols 1994/18, 1; 1996/20, 1.

3 Preambles to UNComHR resols 1998/47; 1999/27; 2000/30; 2001/31; 2002/35; 2003/37; UNSubComHR resols 1999/26; 2001/18; 2002/24.

حقوقی، تفسیر نهایی حقوقی موجود در راستای رفع موانع احتمالی با اتخاذ اصول اثرگذار و کارآمد است (امیرارجمند و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۵۶).

افزون بر این تعیین چارچوب ۲۰۰۲ اتحادیه‌ی اروپا، «کنوانسیون بین امریکای ضد تروریسم ۲۰۰۲» و پیش نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی به‌طور مشابه بر مبنای این پیش فرض واقع شده‌اند که تروریسم، دموکراسی را با مخاطره مواجه می‌کند. با این وجود بیش‌تر معاهده‌های منطقه‌ای از جمله معاهده‌های اتحادیه‌ی افریقا، سازمان کشورهای امریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا، انجمن همکاری میان دولت‌های عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و شورای اروپا در برابر اثرگذاری‌های جرایم تروریستی بر دموکراسی سکوت کرده‌اند، این امر موید این نکته است که بیش‌تر سازمان‌های منطقه‌ای جرایم تروریستی را به‌مثابه تهدیدی علیه دموکراسی تلقی نکرده‌اند.

ایده‌ی جرایم تروریستی به‌عنوان تهدیدی علیه دموکراسی در کشورهایی که به‌طور قانونی تشکیل شده‌اند هنوز جا نیفتاده و این کشورها جرایم تروریستی را مستقل از اقدامی می‌دانند که به‌طور جدی حقوق بشر را نقض می‌کند. از این رو، یک مبنای عملی برای مقابله با جرایم تروریستی، نقض آشکار و مستقیم ارزش‌ها و نهاد‌های دموکراتیک، به‌ویژه حقوق بشر زیربنای دموکراسی مانند مشارکت سیاسی، آزادی بیان، آزادی عقیده و آزادی تجمع به‌وسیله‌ی جرایم تروریستی است.^۳ تروریست‌ها با اعمال زور بر مشارکت‌کنندگان در امور سیاسی (انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در یک انتخاب آزاد)، اعمال قدرت نامتناسب و ناعادلانه، از راه خشونت و نقض حاکمیت قانون، از درون قوانین اصلی دموکراسی را نقض می‌کنند (Honderich, 1976: 103). جرایم تروریستی

۲ این کنوانسیون در حقیقت واکنشی به تعرضات دولت‌ها به حقوق بشر در مقابله با جرایم تروریستی است که به صراحت دولت‌ها را به رعایت حقوق بین‌الملل قابل اعمال و از جمله حقوق بشر موظف می‌کند. هم‌چنین لازم به ذکر است در این راستا کمیسیون امریکایی حقوق بشر در گزارش خود راجع به تروریسم و حقوق بشر، توصیه کرده است: «دولت‌های عضو باید تعهدات مرتبط خود در کلیه اسناد حقوق بشری که به آن‌ها ملزم هستند را در اقدامات ضدتروریسم مد نظر قرار داده و آن‌ها را اعمال نمایند» (ر.ک: امیر ارجمند و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۵۵).
 2EU Explanatory Memorandum, 7; 2002 Inter-American Convention and OAS General Assembly, AG/RES 1840 (XXXII-O/02), preamble; UN Draft Comprehensive Convention, preamble.
 3UDHR, art 29 (2); ICESCR, arts 4, 8 (1) (a); ICCPR, arts 14 (1), 21, 22 (2); see Koufa 1999, 26-31.

می‌تواند ضمن ضعیف کردن اقتدار مشروع و قانونی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک و سیاسی خود را بر جامعه تحمیل کند. بنابراین جرایم تروریستی ضمن ممانعت از مشارکت مردمی (مدنی)، کثرت‌گرایی دموکراتیک را از درون نقض کرده و از ایجاد دموکراسی ممانعت به‌عمل می‌آورد که این امر توسعه را ضعیف کرده و خشونت بیش‌تر را رواج می‌دهد.

همان‌طور که «آرنت» اعتقاد دارد «انسان موجودی سیاسی بوده و قدرت تکلم به او هدیه شده، اما این تکلم و بیان زمانی که با خشونت مواجه شود بی‌پناه است» (Arendt, 1990: 19). «پتروس‌غالی» بر این دیدگاه استوار است که نوع رفتار تروریسم عدم تمایل تروریست‌ها را برای قرار دادن دیدگاه‌های در معرض فرایند مشارکت سیاسی عادلانه، فاش می‌کند. بنابراین جرایم تروریستی «خشونت» را جایگزین «سیاست» و «رعب» و «وحشت» را جایگزین «گفتمان» می‌کند. براساس این دیدگاه باید به‌طور ویژه جرایم تروریستی را به مثابه یک جرم شناسایی کرد؛ چرا که به چارچوب حقوق اساسی نهادهای مردمی که موجودیت دیگر حقوق بشر را امکان‌پذیر می‌کنند ضربه می‌زند. اتخاذ اقدام یادشده حق نوظهور حکومت دموکراتیک را که به‌تدریج درباره‌ی قواعد مربوطه با معاهدات حقوق بشر پیوند می‌خورد مستحکم و از آن محافظت می‌کند (Franck, 1992: 46; Fox, 1992: 539; Fox and Roth, 2000: 286-290)

نخست این‌که، در حقوق بین‌الملل هیچ قاعده‌ی مستحکمی برای حکومت دموکراتیک وجود ندارد. تحت بهترین شرایط، وجود چنین قاعده‌ای، نوظهور یا نوپا است (Chesterman, 2002: 89). حق خودمختاری به ملت‌ها اجازه می‌دهد نوع حکومت خود را انتخاب کنند، اما آشکار نمی‌کند که حکومت منتخب، باید در چه قالب و ساختاری باشد (Marks, 2000: chapters 3-5). افزون‌بر این، معیارهای عرفی مقرر در «کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته‌ویدئو»، دموکراسی به‌عنوان پیش‌شرط «دولت بودن» مفروض نشده است؛ چرا که براساس کنوانسیون اخیر و منشور ملل متحد، معیار دولت بودن شامل شرایطی خاص بوده و منظور از آن دارا بودن یک دولت مستقل براساس ضوابط و معیارهای قابل پذیرش در حقوق بین‌الملل است. بر همین اساس از دیدگاه حقوق بین‌الملل، دولت مستقل به دولتی گفته می‌شود که دارای «سرزمین مشخص»، «جمعیت دائمی»، «حکومت مستقل» و «حاکمیت» باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۷۳). از این‌رو، براساس ماده‌ی نخست کنوانسیون ۱۹۳۳، دولت به شخص تابع حقوق بین‌الملل گفته می‌شود که دارای «جمعیت دائمی»،

IThe 1933 Montevideo Convention.

«سرزمین مشخص»، «حکومت»، «کنترل اثرگذار بر سرزمین» و «توانایی برقراری روابط با سایر دولت‌ها و ملت‌ها» باشد.

به‌عنوان مثال، دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا، از آزادی بیش‌تری برخوردارند تا اعلام کنند جرایم تروریستی ارزش‌های رسمی اجتماعی را نقض می‌کند که از این منظر می‌توان اظهار داشت دموکراسی به‌عنوان پیش‌شرط عضویت در جامعه‌ی اروپا ظهور کرده است.^۱

دوم این‌که، اگر جرایم تروریستی در واقع به‌عنوان جرمی علیه دموکراسی آشکار شود این سوال را که به‌طور تاریخی غیرقابل بررسی است مطرح می‌کند که «آیا اعمال تروریستی به‌منظور نقض نظام‌های غیر دموکراتیک یا علیه نظام‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند مجاز است؟» براساس صراحت برخی از قطع‌نامه‌های صادره از سوی سازمان ملل متحد، اعمال تروریستی موجب «بی‌ثباتی حکومت‌های قانونی و مشروع» بوده و معنای ضمنی این است که جرایم تروریستی علیه حکومت‌های نامشروع قابل اعتراض نیست، به‌ویژه اگر در کنار توصیف تاریخی در بسیاری از قطع‌نامه‌ها که جنبش‌های خود مختاری باید از مفهوم کلی جرایم تروریستی خارج شوند، ادراک شود.

با گذشت زمان جامعه‌ی بین‌الملل به توافق رسیده که تمام اعمال، روش‌ها، شیوه‌های جرایم تروریستی به تمام اشکال و مظاهر، در هر جا و توسط هر کس که انجام شوند هم‌کفری و هم‌غیرموجه هستند. افزون بر این همان‌طور که کمیسیون حقوق بشر تصریح کرده «هرگز نمی‌توان جرایم تروریستی را به‌عنوان وسیله‌ای برای ترویج و صیانت از حقوق بشر توجیه کرد.»^۲ با این وجود بیش‌تر اسناد منطقه‌ای ضدجرایم تروریستی، از این ایده که جرایم تروریستی به مثابه جرمی ضددولتی و ضدسیاسی است نه ضد دموکراسی، حمایت می‌کنند.^۳

در نهایت بنابر دیدگاه جهانی به دشواری می‌توان استدلال کرد که جرایم تروریستی باید به‌عنوان

1EC Guidelines on the Recognition of New States in Eastern Europe and in the Soviet Union, 16 Dec. 1991, British Yearbook of International Law (1991) p.559.

2Preambles to UNComHR resols 1996/47; 1997/42; 1998/47; 1999/27; 2000/30; 2001/31; 2002/35.

3OAU Convention, pmbl; OAS General Assembly, AG/RES 1840 (XXXII-O/02), pmbl; Arab Convention, pmbl; OIC Convention, pmbl; OIC resols 6/31-LEG (2004), pmbl; 6/10-LEG (IS) (2003), pmbl; SAARC Convention, pmbl; NAM, XIV Ministerial Conf, Final Document, Durban, 17-19 Aug 2004, 100; NAM, XIII Conference of Heads of State or Government, Final Document, Kuala Lumpur, 25 Feb 2003, 107-109; NAM, XIII Ministerial Conference, Final Document, Cartagena, 8-9 Apr 2000, 88-89.

جرمی علیه سیاست دموکراتیک جرم‌انگاری شود؛ چرا که باید آن را حتی بر علیه نظام‌های استبدادی هم کیفری ناموجه دانست. در نتیجه، وسعت مفهوم مشترک تروریسم در جامعه‌ی بین‌المللی صرف‌نظر از ویژگی دموکراتیک آن شامل رفتار خشونت‌آمیز بر علیه سیاست و دولت (از جمله امنیت و نهادهای آن) نیز می‌شود. با این حال از مفهوم اختصاصی جرایم تروریستی به‌عنوان تهدیدی علیه دموکراسی کم‌تر حمایت می‌شود و این بیان‌گر تنوع نظام‌های سیاسی در جامعه بین‌المللی است. جرایم تروریستی که برخی از بازیگران در عرصه جامعه بین‌المللی بدان اقدام می‌کنند و یا برخی از دولت‌ها آن‌ها تحت حمایت خود قرار می‌دهند به‌مثابه مصداق کامل و بارز تروریسم دولتی، تروریسم سازمان‌یافته و نقض آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، مخالف منشور ملل متحد و دیگر اسناد اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی است (ر.ک: ستایش‌پور و هاشمی، ۱۴۰۱: ۱۰-۸).

۳. تهدید صلح و امنیت بین‌المللی

قطع‌نامه‌های دهه‌ی هفتاد به بعد مجمع عمومی^۱ و دهه‌ی نود به بعد کمیسیون حقوق بشر^۲ بیان کرده‌اند که جرایم تروریستی می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی، روابط دوستانه میان دولت‌ها، همکاری بین‌المللی، امنیت دولت‌ها یا اصول و اهداف ملل متحد را تهدید کند. در این راستا پیش‌گفتار کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم و پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی، موضع مشابهی را در نظر گرفته‌اند، در حالی که اسناد منطقه‌ای، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی توسط جرایم تروریستی را برجسته کرده‌اند.^۳

¹UNGA resols 38/130 (1983), 1; 40/61 (1985), pmbl, 2-3; UNGA res 42/22 (1987), annexed Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations, pmbl; 42/159 (1987), pmbl, 2-3; 44/29 (1989), pmbl, 1-2; 46/51 (1991), pmbl, 1-2; 48/122 (1993), 1; 49/60 (1994), pmbl, 1-3; 49/185 (1994), 1; 50/53 (1995), 7; 50/186 (1995), 2; 51/210 (1996), annexed Declaration to Supplement the 1994 Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, pmbl, 1-2; 52/133 (1997), 3; 54/164 (2000), 2-3.

²UNComHR resols 1995/43, 1; 1996/47, 2; 1997/42, 2; 1998/47, 3; 1999/27, 1; 2000/30, 1; 2001/37, 1; 2002/35, 1; 2003/37, 1; UNSubComHR resols 1994/18, 1; 1996/20, 2; 1997/39, 1; see also 1993 Vienna Declaration and Programme of Action, UN Doc A/CONF.157/24 (Part I), ch III, s I, 17.

³Inter-American Convention, pmbl; Special Summit of the Americas, Declaration of Nuevo León, Mexico, 13 Jan 2004; OAS Convention, pmbl; SAARC Convention, pmbl; NAM, XIV Ministerial Conf, Final Document, Durban, 17-19 Aug 2004, 100; NAM, XIII Conference of

شورای امنیت از اوایل دهه‌ی نود با صراحت تاکید کرده که جرایم تروریستی می‌توانند تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی باشند. از این‌رو، پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت به این موضع روی آورد که هر جرایم تروریستی را تهدیدی برای صلح و امنیت تلقی کند، اما از شدت یا اثرگذاری‌های بین‌المللی آن چشم‌پوشی کرد و رویکرد قبلی را برای بررسی اثرگذاری اعمال خاص کنار گذاشت. افزون‌بر این شورای امنیت در حال حاضر خود را در جرایم تروریستی داخلی درگیر کرده، مانند بمب‌گذاری مادرید در اسپانیا (که به اشتباه به جنبش آزادی‌طلب باسک نسبت داده شد) و تروریسم چچن در روسیه.

طی بررسی‌های به‌عمل آمده از قطع‌نامه‌های شورای امنیت، این شورا از گذشته نسبت به ارایه‌ی تعریف تروریسم پرهیز کرده است، اما از اواخر سال ۲۰۰۱ تا اواخر سال ۲۰۰۴ به دولت‌ها اجازه داده تا حیطه‌ی جرایم تروریستی را به‌طور یک‌جانبه در حقوق ملی تعریف کنند. آیین در حالی است که شورای امنیت با صدور قطع‌نامه‌ی ۱۵۶۶ در سال ۲۰۰۴ ضمن پذیرش تعریفی جامع از تروریسم به تلفیق عناصر موجود در اعلامیه‌ی ۱۹۹۴ مجمع عمومی راجع به امحای جرایم تروریستی بین‌المللی (ایجاد حالت رعب و وحشت) با عوامل مورد نظر در کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم^۳ (ارعاب جمعیت، اجبار دولت یا سازمان بین‌المللی) مبادرت ورزید (زمانی، ۱۳۸۶: ۶۸۸).

Heads of State or Government, Final Document, Kuala Lumpur, 25 Feb 2003, 107, 110; ASEAN, Declaration on Joint Action to Counter Terrorism, Brunei Darussalam, 5 Nov 2001, pmbi; OSCE, Bucharest Plan of Action for Combating Terrorism, 4 Dec 2001, MC (9).DEC/1, annex, para 1; Decision on Combating Terrorism (MC (9).DEC/1); EU Commission Proposal, Explanatory Memorandum, op cit, 3, 8.

1 Preambles to UNSC resols 731 (1992); 748 (1992); 1044 (1996); 1189 (1998); 1267 (1999); 1333 (1999); 1363 (2001); 1390 (2002); 1455 (2003); 1526 (2004), 1535 (2004); see also 1269 (1999), 1.

2 UNSC res 1373 (2001), 3.

^۳ یکی از راه‌کارهای مبارزه با تروریسم، ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به منابع مالی و عدم حمایت آنان در این زمینه می‌باشد. بدین منظور دولت‌ها خود به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت انسداد راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. یکی از مهمترین اسناد موجود در عرصه مبارزه با تأمین مالی تروریسم «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم» است که در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ۱۰ آوریل سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. این کنوانسیون، اقدام قانونی و مناسب و مؤثری در سطوح ملی و بین‌المللی است که بر علیه اقدامات حمایتی از تروریسم در جهت ارتقای ترتیبات

لازم به یادآوری است عملکرد شورای امنیت پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیار گسترده بود. اما آنچه مورد اهتمام است این‌که شورا نه تنها با صدور قطع‌نامه‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۷۳ امکان توسل به حق دفاع مشروع علیه جرایم تروریستی را شناسایی کرد، بلکه برای اولین بار به‌طور رسمی و آشکار تعریفی از تروریسم در بند ۳ قطع‌نامه ۱۵۶۶ مصوب ۸ اکتبر ۲۰۰۴ ارائه داد. بنابراین پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دو قطع‌نامه‌ی شورای امنیت (۱۳۳۸ و ۱۳۷۳) به‌رغم خالی بودن از هرگونه ابهام، ابعاد نوینی را در مورد مسأله‌ی جرایم تروریستی، در ارتباط با حق دفاع فردی و جمعی براساس منشور ملل متحد به وجود آورد. از این‌رو قطع‌نامه‌ی نخست «حق ذاتی برای دفاع مشروع را می‌پذیرد» و قطع‌نامه‌ی دوم آن‌را با به‌کارگیری «حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا دسته‌جمعی» تایید می‌کند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۸۸: ۱۰۲۲). شورای امنیت با صدور قطع‌نامه‌ی ۱۳۷۳، به‌منظور نظارت بر اجرای این قطع‌نامه و براساس گزارش‌های ارسالی از دولت‌ها به کمیته، کمیته‌ی ضد تروریسم را با همکاری کارشناسان تشکیل داد. هم‌چنین کمیته‌ی ضد تروریسم توسط شورای امنیت و براساس ماده‌ی ۲۹ منشور ملل متحد ایجاد شد. این کمیته خود از سه کمیته‌ی فرعی دیگر تشکیل شده که مکلف به بررسی و ارزیابی گزارش‌های واصله از سوی دولت‌ها بوده و به گروهی از کارشناسان که توسط دبیر کل سازمان ملل متحد در این باره به‌کار گرفته شده‌اند، کمک می‌کنند. لازم به توضیح است که تا پایان سال ۲۰۰۸ بالغ بر یک‌هزار گزارش از سوی دولت‌ها به کمیته ارسال شد. افزون بر این کمیته‌ی یادشده متشکل از پانزده دولت عضو شورای امنیت است.

هم‌چنین با توجه به وجود نگرانی‌های نظام بین‌المللی نسبت به وجود تهدیدهای ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای و دسترسی بازیگران غیردولتی به این‌گونه تسلیحات، موجب شد تا شورای امنیت درصدد مقابله با چالش یادشده برآید. مسأله‌ی مبارزه با

بین‌المللی به منظور تبادل مدارک مربوطه، تضمین قدرت ملی بر عدم امکان سوء استفاده تروریستها از مؤسسات و سیستم‌های عام المنفعه اجتماعی و نیز سازمانهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد سیستم مناسب برای مصادره دارایی‌های کسب شده از اقدامات کیفری که در حمایت از تروریسم صورت می‌گیرد، مشارکت بیشتر نیروهای اطلاعاتی برای تبادل اطلاعات، همکاری در جهت فراهم نمودن فضای بین‌المللی برای مقابله با فعالیتهای حمایتی از تروریستها مانند تهیه مایحتاج، تدارک، آموزش، حمل و نقل ارتباطات، طرح و برنامه و تدارکات و پشتیبانی تسلیحات، صورت پذیرفته است (See: Sorel, 2003: 373- 375).

جرایم تروریستی و سلاح‌های کشتار جمعی، یکی از آثار مستقیم وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر تحولات حقوق و روابط بین‌الملل است. از این‌رو، شورا در راستای وظایف خود در فصل هفتم منشور ملل متحد با پیشنهاد ایالات متحده آمریکا مبنی بر اتخاذ تدابیری درباره‌ی گسترش نیافتن سلاح‌های کشتار جمعی و هم‌چنین در راستای بهبود و افزایش کنترل‌های بین‌المللی درباره‌ی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم، قطع‌نامه‌ی ۱۵۴۰ را در سال ۲۰۰۴ صادر کرد (ر.ک: فرگوسن و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۴).

البته به‌دلیل نگرانی‌های فزاینده‌ی ناشی از وجود جرایم تروریستی، سازمان‌های بین‌المللی طی ادوار گذشته مبادرت به تدوین و تصویب کنوانسیون‌هایی برای پیش‌گیری و سرکوب جرایم تروریستی کرده‌اند؛ به‌ویژه نگرانی به‌دست آمده از وجود احتمال ارتکاب جرایم تروریستی ناشی از کاربرد مواد و سلاح‌های هسته‌ای، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ طی صدور قطع‌نامه‌ی ۵۱/۲۱۰، کمیته‌ی خاصی را برای بررسی پیش‌نویس «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای» ایجاد کرد و فعالیت این کمیته به‌دلیل وجود چالش‌های پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شدت گرفت. کمیته‌ی یادشده، از بدو تاسیس تا دسامبر ۲۰۰۴، طی تحقیق، تفحص و بازبینی، چندین متن جامع از پیش‌نویس و نیز گفت‌وگوهای غیررسمی با اعضای خویش، در نهایت متن پیش‌نویس را به مجمع عمومی ارائه کرد که مجمع عمومی در ۱۳ آوریل ۲۰۰۵ آن‌را تصویب کرد. از این‌رو، ۳۰ روز پس از دریافت ۲۲ سند تصویب از بنگلادش در ۷ جولای ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون اولین معاهده‌ی ضد تروریستی است که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید. افزون بر این کنوانسیون، ضمن گسترش چارچوب حقوق بین‌المللی برای مقابله با تهدیدهای تروریستی، بستر حقوقی لازم برای همکاری بین‌المللی با هدف پیشگیری تروریست‌ها از به‌دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی که انفجار آن می‌تواند عواقب فجیعی در یک جامعه ایجاد کند را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

حقوق بشر حقوق اساسی است که هر فرد به عنوان عضوی از نژاد بشر از آن برخوردار است. سازمان ملل متحد نقش اصلی را در ایجاد حقوق بین‌الملل حقوق بشر ایفا کرده است، اما معیارهای کمی را در مورد میزان احترام، حمایت و یا تحقق آن حقوق توسط اعضایش ایجاد نکرده است .

اصطلاح "حقوق بشر" بیانگر مفهوم گسترده‌ای است که شامل انواع یا انواع خاص حقوق می‌شود. از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، جامعه بین‌المللی بیش از هفتاد معاهده حقوق بشر را تصویب کرده است. حتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شامل مقررات متعددی است که صراحتاً جرایم تروریستی را ممنوع می‌کند یا به‌طور دیگری تلاش‌های ضد این جرایم را دربرمی‌گیرد؛ در حالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به موقعیت‌های درگیری مسلحانه مربوط می‌شود، قوانین بین‌المللی حقوق بشر در همه زمان‌ها و برای همه افراد قابل اجرا است.

البته مجمع عمومی سازمان ملل با اجماع راهبرد جهانی مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد (قطعنامه ۲۸۷/۶۰ مجمع عمومی) را در هشتم سپتامبر ۲۰۰۶ به تصویب رساند. مجمع عمومی هر دو سال یک بار این راهبرد را بررسی می‌کند و آن را به سندی زنده و هماهنگ با اولویت‌های مبارزه با تروریسم کشورهای عضو تبدیل می‌کند. هفتمین قطعنامه بررسی در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۱ به تصویب رسید. علاوه بر این، تعهدات دولت از قطعنامه‌های شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر ناشی می‌شود.

منابع

- امیرارجمند، اردشیر و عبدالمهی، محسن (۱۳۸۶). اعمال حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، حقوق تطبیقی، ۱۳: ۸۰-۵۱.
- ایازی، رضا، حسین شریفی طرازکوهی، بتول پاکزاد و بهزاد ساعدی بناب (۱۴۰۰). ماهیت حقوق بشری آزادی بیان در بستر اینترنت و تکالیف دولت‌ها در این خصوص، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۱) ۲۶-۶۲.
- راعی، مسعود (۱۳۸۶)، «قابلیت اجرایی طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها در حوزه قواعد حقوق بشری، حقوق خصوصی، ۳۷(۴): ۶۵-۹۴.
- ستایش‌پور، محمد و رضوان‌السادات هاشمی (۱۴۰۱). شهادت دکتر محسن فخری زاده از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر: حق حیات، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱(۴): ۷-۲۳.
- دلماش مارتی، میری (۱۳۸۸). پارادایم جنگ علیه جرم؛ مشروع ساختن امری غیرانسانی؟، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۶). حقوق بشردوستانه و مبارزه با تروریسم، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر، چاپ اول.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۷). پذیرش اعضای جدید در پرتوی حقوق و رویه سازمان ملل متحد، حقوق خصوصی، ۳۸(۳): ۲۷۱-۲۹۵.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و رضوی‌فرد، بهزاد (۱۳۹۸). ابعاد حقوقی جرم‌شناختی تروریسم، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- ممتاز، جمشید (۱۴۰۰). اقدامات دبیرکل سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم، مجموعه مقالات همایش نقش دبیرخانه و دبیرکل در تحقق اهداف منشور ملل متحد، تهران: بنیاد حقوقی میزان با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول.

Arendt, H (1990), *On Revolution*, Penguin, London.

Brierly, J (1944), *The Outlook for International Law* Clarendon, Oxford.

Buergenthal, T (1981), 'To Respect and to Ensure: State Obligations and Permissible Derogations', in L Henkin (ed), *The International Bill of Rights: The Covenant on Civil and Political Rights*, Columbia University Press, New York.

Cassese, A (2003), *International Criminal Law*, OUP, Oxford.

- Carrillo, Arturo J. (2020), *The Price of Prevention: Anti-Terrorism Pre-Crime Measures and International Human Rights Law*, Virginia Journal of International Law, 60: 571-650.
- Chesterman, S (2002), *Just War or Just Peace? Humanitarian Intervention and International Law*, OUP, Oxford.
- Clapham, A (1996), *Human Rights in the Private Sphere*, Clarendon, Oxford.
- Harris, Cameron, and Daniel James Milton (2016), *Is Standing for Women a Stand Against Terrorism? Exploring the Connection Between Women's Rights and Terrorism*, Journal of Human Rights 15: 60-78.
- Fox, G (1992), 'The Right to Political Participation in International Law', Yale J Intl Law, No.17.
- Fox, G and Roth, B"eds" (2000), *Democratic Governance in International Law*, CUP, Cambridge.
- Franck, T (1992), 'The Emerging Right of Democratic Governance', AJIL, No. 86.
- Klerk, Piet De (2020), *Respecting Human Rights While Countering Terrorism; An Impression*, Security and Human Rights, No 30.
- Honderich, T (1976), *Three Essays on Political Violence*, Basil Blackwell, Oxford.
- Marks, S (2000), *The Riddle of All Constitutions: International Law, Democracy, and the Critique of Ideology*, OUP, Oxford.
- Meron, T (1989), 'When Do Acts of Terrorism Violate Human Rights?', IYBHR, No. 19.
- Nasution, Aulia Rosa (2017), *Acts of Terrorism as a Crime Against Humanity in the Aspect of Law and Human Rights*, Proceedings of the 2nd International Conference on Social and Political Development (ICOSOP), Advances in Social Science, Education and Humanities Research, Published by Atlantis Press.
- Newman, D (2000), 'A Human Security Council? Applying a "Human Security" Agenda to Security Council Reform', Ottawa L Rev, Vol. 31, No. 213.
- Ovey, C and White R (2002), *Jacobs & White: European Convention on the Human Rights*, 3rd ed, OUP, Oxford.
- Paust, J (1987), 'The Link between Human Rights and Terrorism and its Implications for the Law of State Responsibility', Hastings Intl and Comp L Rev, Vol. 11, No. 41.
- Ratner, S and Abrams, J (2001), *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, 2nd ed, OUP, Oxford.
- Saul, B (2001), 'In the Shadow of Human Rights: Human Duties, Obligations and Responsibilities', Columbia Human Rights L Rev, No. 32.

- Slimani, Amina (2023), *Criminology and Massive Violation of Human Rights: The Case of Terrorism and Genocide*, in: International Annals of Criminology, Editor: Emilio Viano, Cambridge University Press.
- Shelton, D (1990), 'Private Violence, Public Wrongs, and the Responsibility of States' Fordham Intl L J, Vol. 13, No. 1.
- Sperduti, G (1987), 'Responsibility of States for Activities of Private Law Persons', in: R. Bernhardt (ed), Installment 10, *Encyclopaedia of Public International Law*.
- Shelton, D (2000), *Remedies in International Human Rights Law*, OUP, Oxford.
- Sorel, Jean-Marc (2003), "Some Questions About the Definition of Terrorism and the Fight Against Its Financing", EJIL, Vol. 14, No. 2.
- Zegveld, L (2002), *The Accountability of Armed Opposition Groups in International Law*, CUP, Cambridge.